



فاطمه رجبی / روزنامه نگار
او این بار با مجیدبرزگر درباره مترادف‌های تنهایی
حرف زده است



در یک نمای کلی، از آنجایی که دیگران می‌پسند شاید تنهایی یک احساس ناخوشایند باشد، تجربه‌ای که تقریباً همگی آن را در برهه‌های مختلف تجربه کرده‌ایم اما هیچ کس دوست ندارد دوباره در آن قرار بگیرد و کسانی که در حال چشیدن طعم این تجربه هستند، قابل دلسوزی به حساب می‌آیند اما من می‌خواهم از این تعریف معمول و برداشت کلی عبور کنم و وجه دیگری از این تجربه انسانی را بررسی کنم. آنجا که تنهایی نه یک تجربه آزاردهنده که یک امتیاز خودخواسته است. در این قالب شاید بتوانیم تنهایی را معادل ملال و پرسه در خود بگیریم، پدیده‌ای که متعلق به دنیای مدرن است و در واقع امتیاز این دنیا است. وقتی ساختارهای سنتی و از پیش تعریف شده جمع و اجتماع را در هم بشکنیم، از دل فرسایش روابط اجتماعی آن تنهایی که من درباره‌اش حرف می‌زنم بیرون می‌آید، تنهایی که دیگر نه به معنی فقدان که به معنای خلوت گزیدگی است. این را قبول دارم که آدمیزاد به طور طبیعی نمی‌تواند مطلقاً تنها باشد، نمی‌تواند به تنهایی از پس کارها و روبرویی با بسیاری از اتفاقات بریاید اما وقتی میزان وابستگی به مناسبات اجتماعی آنقدر زیاد باشد که انسان را به خستگی و غفلت از خودش و پیرامون خودش بکشاند، زمینه برای بروز تنهایی خودخواسته فراهم می‌شود، اینجاست که تنهایی از انتخاب هم فراتر می‌رود و تبدیل به یک نیاز می‌شود، نیازی که برآورده کردنش می‌تواند وجوه زیادی از شخصیت مان را شکوفا کند، می‌تواند ما را در پیشگاه خودمان بگذارد تا آنچه درونمان وجود دارد، بیرون بکشیم و متبلور کنیم. در دنیایی

← **مجدبرزگر**، کارگردان کارهایی مثل پرویز، یک شهروند کاملاً معمولی، فصل باران‌های موسمی و... چهره‌ای است که تقریباً در تمام آثارش ردی از تنهایی دیده می‌شود، خودش هم تأیید می‌کند که تنهایی و تفاوت آن با خلوت گزیدگی یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های اوست. برزگر از نگاهش به این وجه غریب انسان بودگی، برایمان روایت کرده است:

تنهایی یا خلوت گزینی مسئله این است



استقبال نمی‌کند از جدا بودن از مردم نیز استقبال نمی‌کند. سوم اینکه کلاس‌های آنلاین و آفلاینی که در فضای مجازی اعم از تلگرام، واتساپ و اینستاگرام، توسط متفکران و نخبگان به فراوانی ایجاد شده نشان می‌دهد که ایشان خواستار عدم ارتباط با مردم نیستند.

متفکر و نخبه امروزی اصولاً تضادی میان «ارتباط با مردم» و «خلوت نشینی» نمی‌بیند. مگر شب را از ما گرفته‌اند که در آن به جای خواب و استراحت جسمانی، بخوبی می‌توانیم در «تنهایی و شهود» باشیم و اتصالمان را به منبع لایزال الهی حفظ کنیم و دریافت‌های

تنهایی نخبگان امروزی با اندیشمندان دیروزی هیچ شباهت و حتی مشابهتی ندارد... زیرا یک اینکه پیشینیان اگر «خلوت گزیده» بودند، انتخاب خودشان بود اما امروز این خلوت گزیدن بر آنان تحمیل شده و اگر فرصت کنند فوراً آن را ترک می‌کنند. دوم اینکه پیشینیان از تنهایی خودشان عمدتاً لذت می‌برده‌اند چون «از مردم عامی بریده و در محضر محبوب و دلبر معنوی‌شان بوده‌اند» و امروز بعید است نخبه و متفکری را بیابیم که «از مردم بریده باشد» و اتفاقاً امروز نخبگان جامعه سعی می‌کنند که بگیرند غریق را. نخبه و متفکر امروزی همان گونه که از «رهبانیت و چله نشینی»



دیگر دوران چله‌نشینی نیست

سعید محمدزاد اکبری
مدیر مسئول نکوداشت
بین‌المللی مولانا

